

A woman's dowry is part of a woman's property. The Qur'an and the view of Islam, as well as hadiths, emphasize women's rights, which we have mentioned in this article. In this article, we have referred to the historical trend of women's rights to date, and all the various factors that have an impact on it have been examined from a social and economic point of view, before Islam, and also in the choice of a husband. It was not and the girl had to surrender without any reason. The chains on a woman's arm and wing were broken by Islam in the previous 14 centuries. In the last three centuries, however, the West has gradually come to realize the most basic rights of women. From the seventeenth and eighteenth centuries onwards, in the field of social issues, attention to human rights in the West took shape. One of its basic principles was that human beings, by nature and by the command of creation and nature, have a series of rights and freedoms that cannot be taken away from an individual or an ethnic group. A woman's dowry is considered a woman's property. In the holy book of Quran and seeing Islam, as well as hadiths, special emphasis is placed on women's rights, which is one of the reasons for the importance of this issue in our society, because the do's and don'ts of civil and legislative Our country is based on the principles of the Quran.

بررسی مهریه در نظام حقوقی ایران با توجه به مداخله های اقتصادی؛ سیاسی و اجتماعی حاکمیت

ابوذر گلشنی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

محمد حسین جعفری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

محمد حسین کریمی<sup>۳</sup>

چکیده:

مهریه زن جزو اموال یک زن به حساب می آید، در قرآن و دیدن اسلام و همچنین احداثیت بر حقوق زن تاکید شده است که در این مقاله به آن اشاره کرده ایم. در این مقاله به روند تاریخی حقوق زن تا به امروز اشاره کردیم و همه عوامل مختلف که تاثیری بر روی آن دارند از نظر اجتماعی، اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است پیش از اسلام، همچنین در انتخاب شوهر نیز به هیچ وجه نظر زن، دخیل نبوده و دختر بدون چون و چرا باید تسلیم می شد. زنجیره های که بر دست و بال زن بسته بود، بدست اسلام، در ۱۴ قرن قبل شکست. حال آنکه مغرب زمین در همین سه قرن اخیر، بتدریج متوجه ابتدائی ترین حقوق زن شده است. از قرن هفده و هجده به بعد در زمینه مسائل اجتماعی، توجه به حقوق بشر در غرب شکل گرفت. از اصول اساسی آن این بود که انسان بالفطره و به فرمان خلقت و طبیعت، واجد یک سلسله حقوق و آزادی هاست که نمی توان از فرد یا قومی سلب کرد. مهریه زن جزو اموال یک زن به حساب می آید، در کتاب آسمانی قرآن و دیدن اسلام و همچنین احداثیت بر حقوق زن تاکید ویژه ای شده است که از جمله دلایل اهمیت این موضوع در جامعه ماست، بدین جهت که که بایدها و نبایدهای مدنی و قانونگذاری کشور ما بر پایه اصول کتاب قرآن پایه ریزی شده است.

کلیدواژه: حقوق زنان، شریعت اسلام، زن در عصر جاهلیت، حقوق زنان در قانون اساسی، حقوق زن در اسلام، اموال زمان، مشارکت سیاسی و اجتماعی

گروه حقوق عمومی؛ دانشکده علوم انسانی؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ یزد؛ ایران<sup>۱</sup>

گروه حقوق عمومی؛ دانشکده علوم انسانی؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ یزد؛ ایران نویسنده مسئول<sup>۲</sup>

گروه حقوق عمومی؛ دانشکده علوم انسانی؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ یزد؛ ایران<sup>۳</sup>

(۱) مقدمه:

اسلام با ظهورش، غبار غلیظ مظلومیت و ذلت را از این مخلوق الهی و شریک مرد در زندگی پاک کرد و به طرق مختلف کرامت ذاتی زن را آشکار ساخت، سنن جاهلی و رفتارهای غیر انسانی با زنان را تقبیح نمود و آنان را به رفتار نیکو و ادای حقوق انسانی زنان تشویق کرد و موظف ساخت. اسلام، ملاکهای ارزشی را در جامعه دگرگون و معیار فضیلت را تقوا و خویشتن داری در برابر گناه اعلام کرد. قرآن کریم، زنانی شایسته چون حضرت مریم (سلام الله علیها) و آسیه همسر فرعون را معرفی کرد و از ایشان به عنوان زنان صالح و وارسته تجلیل نمود. مهم تر از همه از حضرت زهرا (سلام الله علیها) را به عنوان کوثر یاد کرد و بدین وسیله شایستگی زن را در رسیدن به کمالات معنوی و الگو بودن برای همگان به اثبات رسانید. زنان باید تمامی حقوق انسانی مترتب بر واقعیت های وجودی خود را دارا باشند. اینکه مردان از حقوق انسانی خود بهره مند باشند اما زنان از حقوق مترتب بر واقعیت های وجودی انسانی و استعدادهای نهفته وجودی شان بهره مند نباشند یا به طور ناقص و دست و پا شکسته بهره ای داشته باشند، عین تبعیض و مخالف اصول انسانی و سنتهای الهی است. محرومیت زنان از آزادی در زندگی عمومی یا خصوصی در واقع نوعی خشونت علیه آنان است و نه تنها از موانع رشد و پیشرفت زنان است، بلکه سبب رشد نیافتگی جامعه نیز می شود. در این مقاله به برخی از حقوق متساوی زنان با مردان در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می گیرد.

پیش از اسلام، همچنین در انتخاب شوهر نیز به هیچ وجه نظر زن، دخیل نبوده و دختر بدون چون و چرا باید تسلیم می‌شد. زنجیره‌هایی که بر دست و بال زن بسته بود، بدست اسلام، در ۱۴ قرن قبل شکست. حال آنکه مغرب زمین در همین سه قرن اخیر، به تدریج متوجه ابتدایی‌ترین حقوق زن شده است. «از قرن هفده و هجده به بعد در زمینه مسائل اجتماعی، توجه به حقوق بشر در غرب شکل گرفت. از اصول اساسی آن این بود که انسان بالفطره و به فرمان خلقت و طبیعت، واجد یک سلسله حقوق و آزادی‌هاست که نمی‌توان از فرد یا قومی سلب کرد. اما در عکس‌العملی افراطی به مظلومیت زن در اروپا، طرفداران فمینیسم، آزادی مطلق زن و تساوی همه جانبه او را با مرد، متمم حقوق بشر دانسته و مدعی شدند همه مشکلات خانوادگی، ناشی از عدم آزادی زنان و عدم تساوی مطلق در حقوق با مردان است و با تأمین این جهت، همه مشکلات او یکجا حل می‌شود. در ایران قبل از اسلام نیز زنان، شخصیت اجتماعی و صلاحیت معاملات حقوقی نداشته‌اند و رأی مرد درباره آنها نافذ بوده است. زنان، حق رأی و اختیار و تشخیص خیر و شر در زندگی خود نداشته و نفوذ مطلق‌العنان مرد، طاقت‌فرسا بوده است. اما با ظهور اسلام، نگرش به زن و حقوق او متحول شد. ابتدا در جامعه جاهل عربستان که دختران معصوم به عنوان مایه‌های شرمندگی، زنده به زیر خاک می‌شدند و زن مانند اموال، به ورثه می‌رسید اسلام، زنان را مایه مودت و رحمت، معرفی کرد و سپس این فرهنگ به احیای حقوق و کرامت زن در سطح جهان دامن زد.

و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودةً و رحمةً. (سوره روم آیه ۲۱)

ملاحظه می‌شود که در اسلام، کشتن و هرگونه آزار و توهین به دختران ممنوع می‌شود و احترام به دختران و زنان سفارش می‌گردد و رابطه زن و مرد را براساس محبت و مودت، نه رقابت و نه مالکیت و ربوبیت، قرار می‌دهد. چنین نگرشی، دیدگاه‌ها را بتدریج نسبت به زن تغییر می‌دهد و زن را در جایگاه واقعی‌اش می‌نشانند. در ایران بعد از اسلام نیز تلقی جامعه نسبت به زن دگرگون می‌شود و حقوق و موقعیت زن تغییر می‌یابد. پس از اسلام، مقررات نکاح، ازدواج با محارم، میراث زن، طلاق، مشارکت زن در امور اجتماعی و اقتصادی همگی دچار تحول بنفع زنان شده و زن به عنوان عضوی اصیل از جامعه، حق مشارکت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در تعیین سرنوشت خود را می‌یابد. این تغییر را بویژه در «دوره قانون‌گذاری» می‌توان مشاهده کرد.

اینک سیر تحول قوانین و مقررات داخلی در این زمینه را در قانون اساسی و قوانین عادی بررسی می‌کنیم. در قلمرو قوانین عادی، تأکید ما بر قانون ازدواج مصوب ۱۳۱، قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ و قانون حمایت از خانواده و برخی قوانین مصوب پس از پیروزی انقلاب اسلامی خواهد بود. منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران با الهام از شریعت جامع اسلام و نظام حقوقی آن و با تکیه بر شناخت و ایمان به خداوند متعال و با هدف تبیین نظام مند حقوق و مسئولیت های زنان در عرصه های حقوق فردی، اجتماعی و خانوادگی تدوین گردیده است. این منشور اهتمام بر تبیین حقوق و تکالیف زنان در اسلام داشته و مبتنی بر قانون اساسی، اندیشه های والای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر معظم انقلاب و با بهره گیری از سند چشم انداز ۲۰ ساله و سیاست های کلی نظام و با لحاظ قوانین موجود و خلأها و کاستی های آن و به منظور تحقق عدالت و انصاف در جامعه زنان مسلمان می باشد. این منشور با دیدی جامع و فراگیر تنظیم گردیده لذا مشتمل بر حقوق و تکالیف امضایی، تأسیسی و حقوق حمایتی و نیز حقوق مشترک بین همه انسانها است.

### ۳\_۱) مشارکت سیاسی و اجتماعی:

در تاریخ گذشته ایران چون سایر جهان، زنان نقش کمتری در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود داشتند. مدعیان طرفداری از حقوق زن نیز تلاشهایی انحرافی انجام داده‌اند و به دلیل ادعاهای غیر منطقی موقعیت مناسبی برای مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی ایجاد نکردند اما پس از انقلاب اسلامی و حاکمیت دیدگاه شرعی و اجتهادهای فقهی امام خمینی و سایر فقیهان معاصر، بتدریج زنان در صحنه سیاسی و اجتماعی وارد شدند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی، حمایت از حقوق زنان، مورد توجه واقع گردید. در مقدمه قانون اساسی آمده است.

«همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

### ۳\_۲) حقوق زن در قانون مدنی ایران:

خانواده بعنوان کم هزینه ترین نهاد، طیف وسیعی از عوامل عاطفی، تربیتی و حمایت های روانی را در خود جای داده است. و در عین حال راهبردی را ترسیم می کند که از طریق آن کمک های دولتی و غیر دولتی به سادگی در دسترس کلیه آحاد جامعه قرار می گیرد. به همین لحاظ در نظام حقوقی ایران براساس ارزش های منبعث از حقوق اسلام، نهاد خانواده از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است. در این ارتباط در مقدمه قانون اساسی چنین تصریح گردیده که: «خانواده، واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز هستی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود، از وظایف حکومت اسلامی است».

### ۳\_۳) تعریف مهریه:

مهریه یکی از مهمترین حقوق مالی زوجه است و در واقع پشتوانه مالی زن در زندگی مشترک محسوب می شود و مطابق با قانون مدنی، به محض وقوع عقد نکاح، زن مالک آن می شود و این اختیار را دارد که هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید. در همین راستا ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی اشاره می نماید «به مجرد عقد، زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید». در واقع ماده مذکور این مفهوم را می رساند که زوجه هر زمان که اراده بنماید می تواند مهر خود را مطالبه کند و زوج نیز پس از مطالبه زن، باید آن را به وی بپردازد.

### ۳\_۴) مهریه در اسلام:

جایگاه مهریه یکی از سنن بسیار کهن در روابط خانوادگی بشری این است که مرد هنگام ازدواج برای زن مالی را به عنوان مهر قائل می شده سوره ی مبارکه نساء آیه ی ۲۰

و ان اردتم استبدال زوج مکان و آیتیم احداهن قنطارا فلا تاخذوا منه شیئا اتاخذونه بهتانا و اثما مبینا:

اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر به جای او اختیار کنید و مال بسیاری مهر او کرده اید البته نباید چیزی از او باز گیرید آیا چشم و هم چشمی تعیین مهریه بالاتر موجب افتخار و سرافرازی است) بیشتر بر روی این مسئله تاکید شود که مهر مقداری تاکید به موجب آیه ی ۲۳۶ از سوره مبارکه ی بقره اگر طلاق پیش از مباشرت با زن و پیش از تعیین مهر واقع گردد، مرد عهده ی مرد مستقر می شود (۱۷) آیه ی ۲۳۶ سوره ی مبارکه ی بقره چنین است که اگر شخص همسرش را قبل از هم بستر شدن در آیه ی ۲۳۷ سوره ی مبارکه ی بقره آمده است: «و اگر زنها را طلاق دهید پیش از آن که با آن ها مباشرت کنید در صورتی که بر آنان مهر مقرر داشته اید بایستی نصف مهری را که «آیه صریح است بر این که اگر طلاق قبل از نزدیکی صورت بگیرد مرد فقط نصف مهریه را باید بپردازد».

### ۳\_۵) مهریه از دیدگاه قرآن:

چنانکه از فرهنگ موضوعی قرآن کریم بر می آید کلمه ای مهر عینا در قرآن مجید به کار نرفته است. بلکه در قرآن از مهر به عنوان «صدقات» در آیه ی چهارم از سوره نساء یاد شده و در آیات مختلف تحت عنوان «اجور» آمده است و اطلاق اجور بیشتر در مورد متعه و ازدواج با کنیزان است. اما کلمه ی دیگری نیز که به جای مهر به کار می رود (صداق) به فتح اول یا کسر اول است که آن را نیز این گونه تعریف کرده اند که: «مالی است که مرد در عقد ازدواج به زن می دهد» و آیه ی چهارم سوره ی مبارکه ی نساء به آن اشاره دارد: «آتوا النساء صدقاتهن نحله» صدقه، به ضم دال، از ماده ای صدق است و بر آن جهت به مهر صداق گفته یا صدقه گفته می شود که نشانه ی راستین بودن علاقه ی مرد است، بعضی از مفسرین مانند صاحب کشف به این نکته تصریح کرده اند. مهر علاوه بر صداق و اجرت، فریضه نامیده می شود. مانند کلام قرآن مجید: «و ان طلقتموهن من قبل ان تمسوهن و قد فرضتم لهن فریضه نصف ما فرضتم.» اما کلمه نحله در سوره ی مبارکه ی «نساء آیه ی ۴» کاملاً تصریح می کند که مهر هیچ عنوانی جز عنوان تقدیمی و عطیه و هدیه ندارد.

### ۳\_۶) مهریه و جایگاهش:

یکی از سنن بسیار کهن در روابط خانوادگی بشری این است که مرد هنگام ازدواج برای زن مالی را به عنوان مهر قائل می شده است و چیزی از مال خود به زن یا پدرزن خویش می پرداخته است. در بیشتر اقوام معمول بوده که شوهر آینده قبل از ازدواج به ولی زن یا به خود زوجه ی آینده هدیه هایی تقدیم می کرد. در کیش یهود مبلغی به عنوان «خطوبا» که همسان ریشه خطبه به کسر اول یعنی خواستگاری است می داند و مهر را به خود زن تسلیم می کردند

### ۳\_۷) مهریه و مقدارش:

امام باقر فرمودند: «الصداق ما تراضا علیه قل او کثر»<sup>(۱۱)</sup> «یعنی آنچه طرفین ازدواج به آن راضی می شوند کم باشد یا زیاد همان مهریه است. البته مهریه تا هر اندازه چه باشد اشکالی ندارد.

سوره ی مبارکه نساء آیه ی ۲۰: «و ان اردتم استبدال زوج مکان و آیتیم احداهن فطارا فلا تاخذوا منه شیئا تاخذونه بهتانا و اثما مبینا»

اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر به جای او اختیار کنید و مال بسیاری مهر او کرده اید البته نباید چیزی از او باز گیرید آیا بوسیله تهمت زدن به زن مهر او را می گیرند و این گناهی فاش و زشتی اینکار آشکار است. «دلیل است بر آن که زیاد بودن مهریه تا هر اندازه هیچ اشکالی ندارد. اما دلایل دیگری نیز هست که می تواند به صورت و جوب یا استحباب اندازه ی مهریه را تحدید کند. مثلاً اگر زیاد بودن مهریه ایجاد عسر و حرج می کند یا اگر مانع ازدواج دختر باشد و او را به امر نامشروع به کشاند یا نوعی اسراف و تبذیر و تجملات ناروا در جامعه ایجاد کند. که برای تشخیص موارد آن ها باید به فتوای اهل فتوی مراجعه نمود. بهتر بود در این مسئله بجای آنکه این همه بر روی حد مهر تاکید شود که هیچ حدی ندارد (خصوصاً در روزگار کنونی که بر اثر چشم و هم چشمی تعیین مهریه بالاتر موجب افتخار و سرافرازی است) بیشتر بر روی این مسئله

تاکید شود که مهر مقداری تاکید شود که مهر مقداری تعیین شود که خود پسر توانایی آن را حتی در آن لحظه دارد پس به نظر من شاید اگر «مقدار مهریه» به کل حذف شود بهتر باشد.

### ۳\_۸) اگر مهریه پرداخته نشود:

نپرداختن مهریه که ملک خاص زن است در قرآن مجید به نام ظلم و گناه آشکار خوانده شده است. نه تنها مهریه را باید اداء کرد بلکه هر مال و ملک دیگر زن را، و چون بعضی خیال می کردند و شاید هم خیال کنند که مهریه یک حق سرسری است که می توان از پرداختن آن طفره رفت خداوند متعالدر آیه ی کریمه تاکیدا هشدار داده است که چنین نیست و مهریه ملک و مال زن است و نپرداختن مهریه یا باز پس گرفتن آن ظلم و گناه آشکار است. مهریه زن نحله و عطای خداوند است که به او داده شده است و مرد هیچ متی بر او ندارد؛ مالی که خداوند به زن عطا فرموده و در عهده مرد قرار داده تا به او بدهد مگر آن که با رغبت و میل چیزی از آن را به مرد ببخشد گفتیم که مهریه عطیه الهی و مال خاص زن است و هیچ کس بی رضای او حق تصرف در آن را ندارد از امام رضا (ع) درباره ی مردی که دختر خود را تزویج کرده پرسیدند: که آیا می تواند در مهریه او تصرف کند؟ فرمودند روا نیست. امام صادق (ع) فرمودند: پیغمبر اکرم (ص) فرموده، خداوند هر گناهی را در روز قیامت می بخشد مگر مهریه ی زن را که اگر نداده باشند و کسی را که مزد کارگر را خورده باشد و کسی را که آزادی را فروخته باشد. سیستم مهریه اسلام خاص خودش است. یکی از مسلمات دین اسلام این است که مرد حقی به مال زن ندارد. نه می تواند به او فرمان دهد که برای من فلان کار را بکن و نه اگر زن کاری کرد که به موجب آن کار ثروتی به او تعلق گرفت مرد حق دارد که بدون رضای زن در آن ثروت تصرف کند و از این جهت زن و مرد وضع مساوی دارند. و بر خلاف رسم معمول در اروپای مسیحی که تا اوایل قرن بیستم رواج داشت، زن شوهردار از نظر اسلام در معاملات و روابط حقوقی خود تحت قیمومیت شوهر نیست، در انجام معاملات خود استقلال و آزادی کامل دارد. نگاهی به آیات الاحکام در باب مهر روشن ترین آیه در باب مهر آیه ی ۴ سوره ی مبارکه ی نساء است که می فرماید: «و اتوا النساء صدقاتهن نحله فان طبن لكم عن شیء منه نفسا فكلوه هنیئا مریئا.» یعنی صدق «مهریه» زنان را به طیب خاطر بدهید پس اگر آنان چیزی از آن را به میل خود گذشت کردن بخورید گوارا و سازگار شما باد. برخی از مفسران گفته اند که چون برقراری مهر برای زنان عطیه الهی است تحت عنوان نحله معرفی شده است. اما گروهی دیگر بر این عقیده هستند که مهر را در جاهلیت به اولیاء زن می پرداخته اند آیه ی قرآنی حکم کرده است که مهر عطیه مخصوص زنان است. به نظر می رسد که نحله ی معرف مهر، به عنوان بعضی عقیده دارند<sup>(۱۶)</sup> از این آیه ی شریفه می توان استحباب پرداخت مهر را در هنگام وقوع عقد استفاده کرد و همچنین آیه بر لزوم مهر به مجرد عقد ازدواج دلالت دارد. اما شاید فعل امر «اتوا» دلالت بر وجوب مهر هنگام عقد دارد. البته به حکم آزادی اراده در قراردادها که شرح از آن بر تراضی تعبیر شده است ممکن است مهر در ذمه ی مرد قرار گیرد و همچنین تعیین مهر در موقع وقوع عقد ازدواج لازم نیست و حتی ممکن است تعیین مقدار مهر به شخص ثالث واگذار شود و این وضع در اصطلاح فقهی «تفویض مهر» نامیده می شود. هرگاه مقدار مهر تعیین نشده باشد مهرالمثل به معنی مهری که مناسب شان زنان همانند باشد مقرر می گردد. به موجب عبارت «و ان تتبعوا باموالکم» که در آیه ی بیست و نهم از سوره ی مبارکه ی نساء مندرج است مهر باید مالیت داشته باشد، مال عبارت است از هر چیز مباحتی که مورد رغبت قرار گیرد و اعم از عین و منفعت می باشد. بنابراین شخص می تواند تعلیم فن یا حرفه و یا آموزش سوره ی قرآن و یا خدمت خود را مهر



قرار دهد. به موجب آیه ی بیست و هفتم از سوره مبارکه ی قصص شیخ مدین دختر خود را با موسی تزویج کرد و مهر او را اجبر شدن موسی قرار داده، ضمناً از این آیه استفاده می شود که پدران در اوضاع مناسب می توانند نکاح دختران خویش را پیشنهاد کنند. به موجب آیه ی ۲۳۶ از سوره مبارکه ی بقره اگر طلاق پیش از مباشرت با زن و پیش از تعیین مهر واقع گردد، مرد باید مطابق با وسع خویش به زن مالی بدهد که چون این حکم با لفظ «متعوهن» بیان شده آن را «مهر المتعه» اصطلاح کرده اند، اما هرگاه مهر تعیین نشده و مباشرت حاصل نشده باشد مرد باید نصف مهر المثل را بپردازد و در صورت معین بودن مهر، نصف مهر المسمی یعنی نصف همان مهری که مقرر گردیده است به زن پرداخته می شود و پس از مباشرت تمام مهر مستقر می گردد مگر این که زنان یا اولیاء آنان مهر را عفو کنند. زن می تواند از تمام مهر خود بگذرد اما ولی زن که در جهت مصلحت زن ولایت دارد، حق گذاشتن از تمام مهر را ندارد. منتها در مورد طلاق خلع و مبارات زن بابت فدیة و آزادی خویش از تمام یا قسمتی از مهر خود می گذرد. آیه ۲۰ و ۲۱ سوره مبارکه ی نساء «و ان اردتم استبدال زوج و ایتیم احدهن...» این آیات دلالت دارند بر این که صدق هر قدر زیاد باشد اشکالی ندارد و اگر به قدر مهر السنه باشد بهتر است و تمام مهر را باید به زن رد کرد و به دخول تمام صدق بر عهده ی مرد مستقر می شود (۱۷) آیه ی ۲۳۶ سوره ی مبارکه ی بقره چنین است که اگر شخص همسرش را قبل از هم بستر شدن پیش او تعیین مهریه طلاق دهد اشکالی بر او نیست یعنی پرداخت مهریه لازم نیست یا پس از طلاق استرداد بر زن لازم نیست.

در آیه ی ۲۳۷ سوره ی مبارکه ی بقره آمده است: و اگر زنها را طلاق دهید پیش از آن که با آن ها مباشرت کنید در صورتی که بر آنان مهر مقرر داشته اید بایستی نصف مهری را که معین نموده اید به آن ها بدهید مگر آن که آن ها خود یا کسی که امر نکاح بدست اوست گذشت کنند و اگر در گذرند به تقوی و خدا پرستی نزدیک تر و فضیلت هایی که در نیکوئی به یکدیگر است فراموش نکنید و بدانید که خداوند به هر کار نیک و بد شما آگاه است. آیه صریح است بر این که اگر طلاق قبل از نزدیکی صورت بگیرد مرد فقط نصف مهریه را باید بپردازد.

### ۳\_۹) مهریه و فلسفه اش:

اکنون این سؤال پیش می آید که مرد و زن هر دو از ازدواج و زناشوئی بطور یکسان بهره میگیرند و پیوند زناشوئی پیوندی است بر اساس منافع متقابل طرفین، با این حال چه دلیلی دارد که مرد مبلغ کم یا زیادی به عنوان مهر به زن بپردازد؟ آیا این موضوع به شخصیت زن لطمه نمی زند؟ و شکل خرید و فروش به ازدواج نمی دهد؟ روی همین جهت است که بعضی به شدت با مساله مهر مخالفت میکنند، مخصوصاً "معمول نبودن مهر در میان غربیها برای غرب زده ها به این فکر دامن میزند، در حالی که نه تنها حذف مهر به شخصیت زن نمی افزاید بلکه وضع از را به مخاطره می افکند. توضیح اینکه درست است که مرد و زن هر دو از زندگی زناشوئی بطور یکسان سود میبرند ولی نمی توان انکار کرد که در صورت جدایی زن و مرد، زن متحمل خسارت بیشتری خواهد شد، زیرا اولاً مرد طبق استعداد خاص بدنی معمولاً در اجتماع نفوذ و تسلط بیشتری دارد، و هر چند بعضی میخواهند به هنگام سخن گفتن این حقیقت روشن را انکار کنند اما وضع زندگی اجتماعی بشر که با چشم می بینیم حتی در جوامع اروپایی که زنان به اصطلاح از آزادی کامل برخوردارند نشان میدهد که ابتکار عمل پر در آمد بیشتر در دست مردان است. بعلاوه مردان برای انتخاب همسر مجدد امکانات بیشتری دارند ولی زنان بیوه مخصوصاً باگذشت

قسمتی از عمر آنها، و از دست رفتن سرمایه‌ی جوانی و زیبایی، امکاناتشان برای انتخاب همسر جدید کمتر است. با توجه به اسن جهات روشن میشود که امکانات و سرمایه‌ی ای را که زن با ازدواج از دست میدهد، بیش از امکاناتی است که مرد از دست میدهد و در حقیقت مهر چیزی است به عنوان جبران خسارت برای زن و وسیله‌ی ای برای تامین زندگی آینده‌ی او، و علاوه مساله مهر معمولاً به شکل ترمزی در برابر تمایلات مرد سبب به جدایی و طلاق محسوب میشود. درست است که مهر از نظر قوانین اسلام با برقرار شدن پیوند ازدواج به ذمه مرد تعلق میگیرد و زن فوراً حق مطالبه‌ی آن را دارد. ولی چون معمولاً به صورت بدهی بر ذمه‌ی مرد میماند، هم اندوخته‌ی ای برای آینده‌ی زن محسوب میشود، و هم پشتوانه‌ی ای برای حفظ حقوق او و از هم پاشیدن پیمان زنا شویی (البته این موضوع استثنایی دارد ولی آنچه ذکر شد در غالب موارد صادق است). اگر تعضی برای مهر تفسیر غلطی کرده اند و آن را یک نوع «بهای زن» پنداشته اند ارتباط به قوانین اسلام ندارد، زیرا در اسلام مهر به هیچ وجه جنبه‌ی بها و قیمت کالا ندارد و بهترین دلیل آن همان صیغه‌ی عقد ازدواج است که در آن رسماً مرد و زن به عنوان دو رکن اساسی پیمان ازدواج به حساب آمده اند، و مهر یک چیز اضافی و در حاشیه قرار گرفته است، به همین دلیل اگر چه در صیغه‌ی عقد اسمی از مهر نبرند، عقد باطل نیست، در حالی که در خرید و فروش و معاملات، اسمی از قیمت برده نشود مسلماً باطل خواهد بود، (البته باید توجه داشت اگر در عقد ازدواج نامی از مهر برده نشود شوهر موظف است که در صورت آمیزش جنسی، مهرالمثل یعنی مهری همانند زنان که هم طراز او هستند بپردازد) از آنچه ذکر شد نتیجه می‌گیریم که مهر جنبه جبران خسارت و پشتوانه برای احترام به حقوق زن دارد، نه قیمت و بها و شاید تعبیر به نحله به معنای عطیه در آیه اشاره به این قسمت دارد. در تفسیر پرتوی از قرآن آمده است: اضافه صدقات به ضمیر هن اختصاص و حق ثابت آنان را می‌رساند. «فان طبن» تاکید حق «و اتوا النساء» است و به جای «ان رضین» مشعر رضایت درونی و خشنودی دارد چون می‌شود رضایت به چیزی ناشی از علل موجبات خارج از نفس باشد چنان که اگر زندگی بر او تنگ شود که ناچار رضایت دهد. «عن شی» به معنای گذشت کم و بیش از صداق است.<sup>(۱۹)</sup> علامه طباطبایی (ره) فرموده است: اگر می‌بینید که کلمه‌ی «صدقات» را به ضمیر زنان «هن» اضافه کرده به جهت بیان این مطلب بوده که وجوب دادن مهر به زنان مساله‌ی ای نیست که دین اسلام آن را تاسیس کرده باشد بلکه مساله‌ی ای است که اساساً در بین مردم در سنن ازدواجشان متداول بوده است. سنت خود بشر بر این جاری بوده و هست که پولی و یا مالی را که قیمت داشته باشد به عنوان مهریه به زنان اختصاص دهند و کانه این پول را عوض عصمت او قرار دهند. همانطور که قیمت و پول کالا (خرید و فروش) در مقابل کالا قرار می‌گیرد معمول و متداول در بین مردم این است که خریدار پول خود را برداشته و نزد فروشنده می‌رود همچنین در مساله ازدواج هم طالب و خواستگار مرد است، او است که باید پول خود را جهت تهیه حاجت خود برداشته و به راه بیفتد و آن را در مقابل حاجتش بپردازد. در کتاب نظام حقوق زن در اسلام در مورد فلسفه مهر آمده‌ای به عقیده ما پدید آمدن مهر نتیجه تدبیر ماهرانه‌ی ای است که در متن خلقت و آفرینش برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنها بیکدیگر بکار رفته است. نوع احساسات زن و مرد نسبت بیکدیگر یک جور نیست، قانون خلقت مجال و غرور و بی‌نیازی را در جانب زن و نیازمندی و طلب و عشق و تغزل را در جانب مرد قرار داده است ضعف زن در مقابل نیرومندی بدنی به همین وسیله تعدیل شده است و همین جهت موجب شده که همواره مرد از زن خواستگاری می‌کرده است. مهر، با حیا و عفاف زن یک ریشه دارد؟ زن با الهام خطری دریافته است که عزت و احترام او بایست که خود را رایگان در اختیار مرد قرار ندهد.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: هر مردی زحمت بکشد و بر عیالش انفاق کند خداوند متعال به عوض هر درهم، هفتصد برابر به او مرحمت فرماید.

امام سجاد علیه السلام فرموده اند: دوست دارم پولی داشته ، وارد بازار شوم و از قصابی گوشتی بخرم و برای همسر و عائله ام ببرم. من این کار را از آزاد کردن بنده در راه خداوند تبارک و تعالی بیشتر دوست دارم.

امام رضا علیه السلام فرموده اند: بر شخص مالدار متمکن واجب است که بر عائه اش در مخارج وسعت بدهد، تا آرزوی مرگش را ننمایند.

در حدیث دیگر وارد شده یکی از جاهایی که دعا مستجاب می شود ، آن جایی است که مرد وضع مالی خوبی داشته باشد ولی در مخارج اهل و عیال خود سخت گیری کند. در اینجا اگر اهل و عیال او دست به دعا بلند کنند و مرگ پدر یا همسر خود را از خدا بخواهند دعای آنها زود مستجاب می شود تا مال آنها به دست خود عیال و بچه ها آید و از آن استفاده کنند.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است: زنی نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد، ای رسول خدا! حق مرد بر زن چیست ؟

حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: این که او را اطاعت کند و سرپیچی نکند و از خانه چیزی را بدون اجازه او تصدق ندهد و بی اجازه او روزه مستحبی نگیرد و از منزل خارج نشود مگر به اذن و اجازه او و اگر بدون اجازه او از خانه خارج شود، ملائکه آسمان و زمین و فرشته های غضب و رحمت او را لعنت می کنند تا وقتی که به منزل برگردد.

امام صادق علیه السلام در مورد حقی که زن بر شوهرش دارد فرمود: حق زن بر شوهر، غذا دادن، لباس پوشاندن، با او خوشرفتاری کردن و رو ترش نکردن است اگر مردی چنین رفتاری نماید، وظیفه شرعی خود را در ازای حقوق همسرش به انجام رسانیده است.

حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند: بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم تر و مهربان تر باشد و ارزشمندترین مردم کسانی هستند که با همسرانشان مهربان و بخشنده اند.

امیر المومنین علی علیه السلام فرمود: آنها (زنان) نزد شما امانت های خدا هستند ، آزارشان نرسانید و بر آنها سخت نگیرید.

از حقوق زوج تمکین زوجه و از حقوق زوجه که باید زوج آن را ادا نماید می‌توان از مهریه و نفقه و اجرت المثل و نحله نام برد. که اصطلاحاً از آن به عنوان حقوق مالی زوجه یاد می‌کنیم. مهریه و نفقه در ایام زوجیت و اجرت المثل و نحله پس از طلاق به زوجه تعلق می‌گیرد و از حقوق مالی زوجه محسوب می‌گردد که جنبه حمایتی دارد، امروزه پرداخت حقوق مالی زوجه در اغلب موارد با موانعی روبرو شده است. بنا به نظر جامعه‌شناسان در مورد مهریه (در عصر کنونی میزان مهریه در حال افزایش است که این امر پیامدهای نامطلوبی همچون تغییر در نوع همسرگزینی، کاهش نرخ ازدواج و ایجاد خصومت و دشمنی و احتمال سوداگری و ... در پی خواهد داشت).

قوت و ضعف اجرای حاکمیت قانون با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از عوامل است که دست به دست یکدیگر می‌دهند تا اجرای قانون را قوت بخشند یا آنرا با ضعف مواجه سازند، بنابراین اختلال در هر یک از این عوامل، حاکمیت قانون را با بی‌نظمی مواجه می‌سازند. نظام حقوقی مجموعه‌ای از مقررات، آیین نامه‌ها، قواعد و ضوابطی است که اجرای آنها موجب بقا و استمرار نظم اجتماعی شده و عدالت اجتماعی را به همراه دارد. هر چه درجه قانون‌پذیری افراد جامعه بیشتر باشد، حاکمیت نظام حقوقی و تثبیت کارکردهای آن تسهیل می‌شود؛ قانون‌پذیری به معنای تبعیت آگاهانه، داوطلبانه و ارادی اکثریت به قریب اتفاق مردم از قوانین و مقررات موجود در جامعه و عمل به آنها می‌باشد. حاکمیت قانون در سطوح ملی و بین‌المللی لازمه دستیابی به اهداف توسعه‌فراگیر می‌باشد. حاکمیت قانون بر مبنای ارزشها، هنجارها و اصول مساوات و عدم تبعیض، مشارکت و همراهی، قدرت‌دهی و آزادی بیان، شفافیت، اعتماد، کاهش فساد از طریق شفافیت، شراکت و اتحاد قرار دارد که همه برای دستیابی به توسعه‌فراگیر ضروری هستند. قطعاً وجود حاکمیت قانون در یک جامعه نشانه‌ای توسعه‌یافتگی است؛ اما آنچه که برای کشورهای در حال توسعه اهمیت دارد این است که آیا تحقق حاکمیت قانون می‌تواند محرکی برای دستیابی به رشد و توسعه‌فراگیر باشد؟

نتایج این تحقیق حاکی از آن است که در وهله‌ی اول، حاکمیت قانون منجر به برقرار نظم حقوقی میشود که یکی از مولفه‌های برقراری نظم اجتماعی و توسعه سیاسی است. مهمترین هدف و پیامد حاکمیت قانون، چارچوب‌بندی قدرت سیاسی است، نظریه حاکمیت قانون از طرق مختلفی به تحقق این هدف یاری می‌رساند.

دکتر حسن صفایی، حقوق خانواده، ج ۲، قم، دادگستر، ۱۳۷۸، ص ۱۴۸ و همچنین ر. ش به لغتنامه ی دهخدا ذیل واژه های مهر و مهریه .

(۲) دکتر محمد خزائلی، احکام قرآن، ج ۱، تهران، جاویدان، ۱۳۵۳، ص ۴۷ .

(۳) ر. ش: فرهنگ موضوعی قرآن مجید . تالیف کامران فانی و بهاءالدین خرمشاهی .

(۴) دکتر محمد خزائلی، احکام قرآن، پیشین، ص ۴۷ .

(۵) مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، پیشین، ص ۱۸۷ .

(۶) سوره ی مبارکه، بقره آیه ی ۲۳۷ .

(۷) و اتوا النساء صدقاتهن نحلهً »

(۸) مرتضی مطهری، پیشین .

(۹) محمد خزائلی، احکام القرآن، پیشین، ص ۴۷ .

(۱۰) مرتضی مطهری، پیشین، ص ۴۷ .

(۱۱) وسائل، ج ۱۴، ص ۶۰۴ .

(۱۲) سوره ی مبارکه نساء آیه ۴ .

(۱۳) وافی/نکاح/۱۱۰ .

(۱۴) وسائل، ج ۱۴، ص ۲۶ .

(۱۵) محمد خزائلی، پیشین، ص ۴۸ .

(۱۶) محمد خزائلی، پیشین، ص ۴۸ .

(۱۷) اعلامه برقی، احکام القرآن، قم، مطبوعاتی عطایی، ص ۶۰۸ .

(۱۸) آیت الله ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۳، قم، مدرسه ی الامام امیرالمؤمنین، مطبوعاتی هدف، ص ۲۶۳،

(۱۹) آیت الله سید محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار، ص ۲۰ .

۲۰) علامه سید محمد طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، پیشین، ص ۲۶۹ .

۲۱) متفکر شهید استاد مطهری «رحمة الله» نظام حقوقی زن در اسلام . ۲۳۱